

زمانیکه رویونیستها به آستانبوسی بورژوازی میروند

نگاهی به مذاکره بهشتی و دوتن از رهبران سازمان چریکهای فدایی (اکثریت)

"دریک بحران (...) انبوهی قابل توجه از اپورتونیستها که از طرف بورژوازی حمایت و اغلب بوسیله آنها هدایت میشوند (این خصوصاً مهم است) ، بسوی اردوی تورژوازی میروند ، به سوبالیم خیانت میکنند ، به راه طبقه کارگر ضرر میرسانند و آنرا خراب میکنند ، در هر بحرانسی بورژوازی همواره اپورتونیستها کمک خواهد کرد همیشه بخش انقلابی پرولتاریا را سرکوب خواهد کرد ، با کوچکترین عملی عکس العملی نشان میدهد و غیرقانونی ترین وظایمانه ترین عملهای نظامی را بکار میگیرد . اپورتونیستها دشمنان بورژوازی انقلاب پرولتاریا میباشند در زمان صلح آنها اعمال بورژوازی آنها را در درپوش انجام میدهد بنده جستجوی پناهاگه در احزاب کارگران برمی آید ، در زمان بحرانها آنها بلافاصله بعنوان متفقین مجموعه بورژوازی متحد از محافظه کار تا رادیکالترین و دمکرات - ترین بخش آن از آزادفکران تا بخش مذهبی و متدین آن درمی آید ، کسی که بعد از وقایع اخیر این حقیقت را درک نکرده باشد به شکی خود و کارگران را فریب میدهد ."

(لنین - مقاله "واکنش چیست؟" در سوبال دمکرات شماره ۳۶ - ۹ ژانویه ۱۹۱۵)

مبارزه طبقاتی بیرحم است . این مبارزه در سیر فزاینده خود خط کشی و مرزبندیهای سیاسی - طبقاتی نیروها را روشنتر میسازد و در مقطع بحران و تحولات انقلابی انشعابات سیاسی را برجسته ساخته و این انشعابات را به سمت انشعابات تشکیلی جهت میدهد در حقیقت تغییر و تحولات در نیروهای سیاسی انعکاسی از تحولات و مبارزه طبقاتی در سطح جامعه است . اگر در دوران نسبتاً آرام همزیستی گرایشات طبقاتی مختلف در یک شکل امکان پذیر است ، در دوران انفجارها و در پاشیده شدن به منافع طبقاتی معین این گرایشات راه انشعاب را در پیش میگیرند . جدت مبارزه طبقاتی در جامعه آنانی می طلبد تا خواستهای طبقاتی خود را با صراحت و پیگیری بیشتری تعقیب نموده و در جهت تحقق این خواستها به صف آرائی مستقیم علیه یکدیگر اقدام نمایند .

در چنین شرایطی اپورتونیستها و رویونیستها به تنهایی مرزهای خود را با دیگر نیروهای سیاسی بیش از هر زمان دیگر متمایز میسازند ، بلکه همچنین با

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
۶ صفحه ۶۴
پیکار
۱۰۰ ریال

سال دوم - دوشنبه ۳۰ تیر ۱۳۵۹

برمی آید تا مبارزه طبقاتی را انکار نموده و صلح اجتماعی تحت حاکمیت بورژوازی را موعظه نماید ، انقلاب اجتماعی را رد کرده و حکومت بورژوازی را سناش نماید ، اصل وجودی سازمانهای مخفی ، غیر قانونی و انقلابی را انکار کرده و وطن پرستی رویونیستی و بورژوازی را تبلیغ و ترویج نماید . آری این جریان رویونیستی و اپورتونیستی مانند همه جریانهای رویونیستی و اپورتونیستی به حاکمین نفوذ بورژوازی در درون پرولتاریا و سایر توده های زحمتکش تبدیل میشود .

بدین ترتیب بود که جریان رویونیستی - اکثریت به رهبری فرخ نگهدار و شرکا ، از انقلاب بطور روشن فاصله گرفته و بدرگاه بورژوازی روی مسبارد و پس با انجمن بخشیدن به مضمی رویونیستی خود میکوشد عمل خود را بر این مضمی انطباق کامل بخشد . این جریان امروز تا بدانجا سقوط کرده که آشکارا به در پیروی در آستان هیات حاکمه ضد خلقی ایران روی آورده است و در پی آن بر آمده تا با انکار ، به مضمی سازش طبقاتی جهت خاموش کردن انقلاب بکوشد . مذاکره دوتن از رهبران جریان رویونیستی اکثریت با فرد منفوری ، چون بهشتی خاش نمونه ای از تلاش ضد انقلابی رهبران رویونیست این جریان علیه انقلاب و نیروهای انقلابی بشمار میآید . آنها آشکارا با دشمنان مرتجعین آویخته و با غمزه های تهوع آور میگویند بهیای خیانت به منافع و مصالح انقلاب نان شیرینی حقیری از دشمنان خلقهای ایران بگیرند . این اقدام یکبار دیگر سقوط رویونیستی این جریان و در عین حال چهره کریه و ما هیت بورژوازی رویونیسم را به نمایش میگذارد . جوهر اساسی مصالحه را اعتماد به بورژوازی ، مخالفت با انقلاب و اعلام آمادگی جهت خفه کردن انقلاب بمنظور کسب امتیازات جزئی تشکیل میدهد :

آستانبوسی درگاه بورژوازی

روییونیستها را آنجا که مبلغین و مجریان مضمی وایدئولوژی بورژوازی در چنین کارگری هستند ، وظیفه اساسی آنان تبلیغ اعتماد به بورژوازی در سبب طبقه کارگر توده ها است . آنان حاضرند "کاستیها و نقائص" موجود در کار دولت بورژوازی را ببینند ، حاضرند بدیختی و مصیبتهای وارده بر میلیونها زحمتکش را ذکر کنند ، اما پس از دیدن همه اینها در بین توده های زحمتکش به تبلیغ این ایده می پردازند که ما با از اعتماد به بورژوازی دست برداریم ! اگر جریان رویونیستی اکثریت در زمانسی مطرح میکردند که از "جناح خوب" هیات حاکمه در حال "جناح بد" آن بایستی دفاع کرد و اگر آنان زمانی

انقلاب خط کشی روشن و صریحی می نمایند . معنای طبقاتی این خط کشی صریح چیزی جز سنگبری مشخص به جانب بورژوازی نمی باشد . آنان اگر تا بحال در پرده از بورژوازی حمایت می نمودند ، اینک آشکارا به دفاع از آن بلند میشوند و بدین ترتیب چهره واقعی خود را آشکارا رسوا میسازند .

در دوران رژیم شاه سازمان چریکهای فدائی خلق بر اساس مضمی خرد بورژوازی چریکی مبارزه ای انقلابی را بر علیه ارتجاع حاکم به پیش می برد . مضمی چریکی محوری بود که گرایشات سیاسی - ایدئولوژیک متفاوت بدوران جمع شده بودند . زمانی که این محور از بین رفت مضمی چریکی از زاویه غیر پرولتری کنار گذاشته شد و زمانی که مبارزه طبقاتی در جامعه اوج گرفته بود و قیام منشا رویدادهای سیاسی - اجتماعی جدیدی گشته بود ، انشعاب در این سازمان امری طبیعی بود ریشه این انشعاب به نا همگونی گرایشات طبقاتی موجود در سازمان چریکهای فدائی نهفته بود و تحولات و رخداد های خونین ناشی از قیام نمیتوانست بشر عمق یافتن این نا همگونی و تضادهای درونی اثر نگذارد . در این سازمان گرایشی که از موضع لیبرالی علیه "دیکتاتوری شاه" مبارزه میکرد تا گرایشی که خواهان انقلاب بود ... جمع گشته بودند . به کنار رفتن محور مضمی چریکی ، فاصله این گرایشات از یک - دیگر را مشخصتر ساخته و اوج گیری مبارزه طبقاتی در میهن ساقط شدن رژیم شاه خاش و به روی کار آمدن دولت جدید بورژوازی این فاصله را در جهت تعمیق و ژرف شدن میکشاند . علاوه بر تعرض رویونیسم و سوبال امپریالیسم شوروی در عرصه جهانی به مثابه یک عامل بیرونی برگرایشات درونی سازمان اثر گذاشته و نفوذ رویونیسم در این سازمان را تقویت می نماید مجموعه تحولات فوق منجر به جدا شدن بخشی از سازمان چریکهای فدائی از انقلاب و روی آوردن آن به بورژوازی میگردد ، آن بخش از گرایشات خرد بورژوازی - ثی این سازمان که شدیداً مترزل و وابسته میگردد و با گرایش ایدئولوژیک رویونیستی با رزم مشخص میشود مبارزه انقلابی را راه ساخته و هر اسان از اوج گیری انقلاب به اردوگاه بورژوازی روی می آورد . هر اسان از انقلاب و توسعه مبارزه پرولتاریا ای انقلابی این جریان را و امیدوار تا در کنار بورژوازی پناه بگیرد و با انقلاب به مقابله برخیزد . این جریان مانند همه جریانهای رویونیستی و اپورتونیستی در پی آن

پرچم مبارزه ایدئولوژیک را برافراشته تر سازیم

با تزلزلات فراوان و سهرطریق تک جناح رادرمغافل
انقلاب ارزیابی منسوفند، اکنون آنان هر دو جناح
هبات خاکه رادردرون صفوف خلق حساب میاورند و
مغطهپیک بکنه رادادآوری میکنند که تک جناح از هبات
خاکه فاند "حربه" سیاسی میباند!

اکر آنان نادر روز همین بهشتی و دارودینسه
خاش اش راجناح جنگ افروز هبات خاکه و حتی مرتجع
قلمداد میکردند، اکنون در مسرافتادن به منحللات
کامل رویزیونیستی نه دستبوسی اش می شنایند. ما
می پرسیم آیا همین بهشتی نیست که حزب جمههوری
اسلامی این حزب ضدانقلابی را رهبری میکند، همان
حزبی که در یورش به خلفها، زحمتکشان و انقلابیون ماز هیچ
جنایتی فروگذار نکرده است؟ آیا این بهشتی مزدور
نیست که پیش از هر کسی برای قلع و قمع انقلابیون
و در درجه اول کمونیستهای راستین بقمیدراند و
بر سرکوب خلق ترکمن، گشتار خلق کرد و تمام مسی
زحمتکشان میهن ما انگ شوق می افشاند؟

اما اکنون رهبری رویزیونیست جریان اکثریت
میگوشد با خیانت به انقلاب روی تمامی جناحهای
این رژیم و تمام جناحهای آن برده ها ترسفتکند و خاک
بر چشم توده ها بپاشد. آنان در ابتدای مذاکره با کوری
خود را در برابر پرورژوازی ستماش میگذارند. "مدنی"
به بهشتی مزدور چنین میگوید:

"اگر به شما اعتماد دنداشتیم که در این حدیثوا نسیم
بیا شیم این جا صحبت کنیم هرگز این کار را نمی -
کردیم." (بمنقل از متن مذاکره)

آری این جریان رویزیونیستی از کرنش دیرپا بر
جناحی از هیئت خاکه به یوسیدن آنان همه جناحهای
هبات خاکه ایران میرسد. آنان چاکری خود را در
مقابل بهشتی این چنین بیان میکنند که رژیم شاه
"چه بلاهایی هم سر هر کدما ما را ما آورده است." (همانجا)
واقعاً رژیم شاه چه بلاهایی "بر سر بهشتی، امام
جمعه مساجدها میورگ آورده است؟ رژیم شاه کجا او را به
جرم مبارزه انقلابی به زندان انداخته و شکنجه کرده
است؟ واقعیت این است که پس از آمدن بهشتی از
اروپا به ایران رژیم شاه او را به سمت یکی از تدوین
کنندگان کتب درسی نظام آموزشی خود ما مور کرده بود
واقعیت این است که آقای بهشتی با تحمل "بلاهای"
فراوان با رفتن جانی و با هنرمشول بسا زویغروشی
شده و میلیونها تومان از غارت زحمتکشان را به جیب
میزنند. واقعاً وقتا حتما اندازه دارد، جریان رویز -
یونیستی "فرخ نگهدار" و شرکاء میگوشتد مرزا انقلابیون
جان برکف یعنی کمونیستها و مجاهدین و سایرین را در
زمان شاه با مرتجعی چون بهشتی مخدوش سازد. این
جریان از یکطرف به مرتجعین وجهه می بخشد و از طرف
دیگر میگوشتد خود را پشت "شهادی انقلابی خلق" که هیچ
ربطی به کمائی که به رویزیونیسم خروشجفی در غلنیده
- اند ندارد، بنهان سازد. این جریان رویزیونیست
فرصت طلبانه میگوشتد شهادی انقلابی خلق را به
کالاهائی برای معامله با پرورژوازی تبدیل سازد.

جریان رویزیونیستی "فرخ نگهدار" و شرکاء، بیوده
میگوشتد خود را وارث سنتهای انقلابی "سازمان
چریکهای فدائی خلق" و همه شهیدان آن نشان دهد، او
از این امر متعجب میکند که از سوی رژیم "روزنامه
سازمان که سابقه طولانی داشته و پیش از ۶۰۰،۵۰۰ نفر
شهید داده "ممنوع اعلام شود. (همانجا) و قلیش متحون
از اعتماد به پرورژوازی است. برای او ما هیئت طبقاتی
و ضدانقلابی حزب جمههوری اسلامی معنائی ندارد و به
همین خاطر برایش عجیب بنظر میرسد که حزب جمههوری

اسلامی با رورنا هم از ماسی که آنهمه سابقه ما رزانی
داشته مخالفت ورزد. آری رویزیونیستها همیشه برای
فرست مردم و بدست آوردن دل پرورژوازی ما هیئت
طبقاتی اعمال و اقدامات ارتجاع حاکم را می یونا -
نند. آنان حزب جمههوری اسلامی را دآوری عادل می -
دانند و او را به دآوری بر سابقه انقلابی یک سازمان
مبارفرا میخوانند، آنان آکا هانه این مسئله را به
دست فراموسی مسپارند که رژیم ارتجاعی کنونی بسا
بر ما هیئت طبقاتی اش سرکوب کننده از ادبهای دمکراتیک
است و بسا بر حط ارتجاعی پرورژوازی حاکم است که
روزنامه کار (علیرغم همه گزارشات رویزیونیستی اش
قبل از کار ۵۹) نیز همچون مطبوعات انقلابی ممنوع
اعلام میشود. آنان نه تنها دستان غرقه در خون بهشتی
جلدار میبوسند و اعتماد خود را به وی اسرا میدارند،
بلکه وی را مشاور سیاسی خویش نیز میسازند، ساور
نمی کنند؟ بسیند به بهشتی چه میگویند:

"اگر محل دیگری برای فعالیت در نظر بگیریم،
فکرمی کنید در این شرایط کنونی جوسا سی
کشور امکان پذیر هست یا نه؟" (همانجا)

آقایان رویزیونیست، شما با بنهان ساختن
ماهیت بهشتی ها خاک بر چشم خلق می باشد، ولیسی
بداند بهشتی آنقدر رسوات که جا بلوسی و عمزه های
مشترک کننده تان نسبت به بهشتی نمی تواندمردم را
فریب دهد. مردم آکا به جای اجازه برای امور خود راه
مبارزه با رژیم که بهشتی هادر را س آن می باشد
را برگزیده اند. کرنش شما تنها نفرت کمونیستها و
توده های آکا هرا پیش از پیش برمی انگیزد.

بدین ترتیب متوجه میبوسیم که رویزیونیستها
برای کسب امتیازات جزئی از پرورژوازی چگونه چهره
پرورژوازی را فاشی کرده و به آن تعلق میگویند.
اینان از آنجا که مقول لنین به مبارزه طبقاتی و
انقلاب اعتقادی ندانند و نسبت به پرولتاریا و
توده ها دارای اعتمادی باشند در پی عملی ساختن سازش
طبقاتی و کسب امتیازات جزئی از پرورژوازی می باشند
به او کرنش کرده و به حیوانه ترین شکل تعلق میگویند.
رویزیونیستها می گوشتد تا با نفی انقلاب و خوش
آب و رنگ نشان دادن چهره طبعه ستمگر حاکم و نمایندگان
آن، پرولتاریا و سایر توده ها را فریب داده، تا اینکه
پرورژوازی به وعده خود وفا کند و آنان را مورد لطف خود
قرار دهد. آری بقول لنین یکی از ویژگیهای پرورتو -
نیسم و رویزیونیسم "بی اعتمادی نسبت به پرولتاریا
و اعتماد به پرورژوازی" است. رویزیونیستها از یکسویه
آستانبوسی در کادر پرورژوازی همت می گمارند و از سوی
دیگر خاک در چشم خلق می پاشند و به پرورژوازی خدمت
می کنند.

آری بقول لنین: "پرورژوازی نوکراسی لازم دارد که
بخشی از طبقه کارگر به آنها اعتماد داشته باشد.
نوکراسی که پرورژوازی را با عبارت بردازی های
خود در بارها مکان راه فرم میستی، بسا را بنند و
زیبا کنند، نوکراسی که با این عبارت بردازها
خاک در چشم خلق بپاشند و خلق را با رنگ آمیزی
مواعدا و مکانات راه فرم میستی از انقلاب منصرف
گردانند."

(در باره وظایف انترناسیونال سوم - ۱۴ و ۱۹۱۹)

رویزیونیستها و مسئله جنگ عادلانه...

منازعات قهرمانانه خلق کرد - پرورژوازی و
رویزیونیستها را بسا برسانده است. آنان مبتسرند
آتش این منا زرات خرمن ختم فرو کوفته تمام مسی

زحمتکشان ایران را شعله و سازد. برای خاموش کردن
این آتش انقلابی پرورژوازی به وحشانه ترین سرکوبها
روی آورده و رویزیونیستها و اپورتونیستها به حمایت
ار او برخوایسته و برایش هورامی کنند. پرورژوازی در
همان زمان که بمنظور به زانودر آوردن خلق کرد به
سرکوب وحشانه پرداخته بود برای تضعیف انقلاب به
تاکنیکهای دیگری نیز روی آورد. رژیم همواره برای
جدا کردن انقلابیون پیشمرگه از زمانهای سیاسی از
خلق دلاور کرد بطریق کوشیده است. او در همان زمان
که هیات های "حسن نیت" (!؟) به کردستان می فرستاد
ادعا میکرد که این گروه های سیاسی هستند که جنگ را به
مردم کردستان تحمیل کرده اند. بدین ترتیب رژیم
سعی می کرد از یکسویه های زحمتکش را از نیروهای
انقلابی جدا نموده و از سوی دیگر از طریق سازش با برخی
از نیروها جنبش را به انحراف و کجراه بکشاند و بدین
ضربه وارد نماید. اما حدت مبارزه انقلابی خلق کرد و
پیشمرگه های دلاور و اجازه نداد تا طرح فوق اجرا شود
و نیروهای سازشکار موجود در کردستان آشکارا با رژیم
کنار آیند. به این لحاظ ارتجاع حاکم بطور متمرکز و
وحشانه تری به حمله علیه جنبش کردستان برخاست و
جنگ خونینی را به مردم زحمتکش کرد تحمیل کرد.
ارتجاع در پی آن بود تا برای همیشه انقلاب را خاموش
کند، ارتجاع در پی آن بود و هست تا جنبش خلق کرد این
پیشتا زمیا رزه انقلابی حاضر را در خون خفه کند. اما
خلق کرد و پیشمرگان جان برکف و همچون گذشته به مقاومت
مسلحانه روی آورده اند. ارتجاع جنگ را تحمیل کرد،
اما خلق کرد نیز خاموش نماند و نیز به جنگی عادلانه
روی آورد. منافع انقلاب می طلبید تا در برابر جنگ
ارتجاعی و ضد انقلابی رژیم حاکم، جنگی عادلانه و
انقلابی قدر افرار د. و خلق کرد چنین کرد.

رویزیونیستها که مخالف انقلاب می باشند هیچک
عادلانه را محکوم کرده و آنرا مترادف جنگ غیر عادلانه
فرار میدهند. آنان بجای حمایت از جنگ عادلانه و
انقلابی توده ها به مخدوش کردن جنگ انقلابی و ضد
انقلابی می پردازند. در همین ارتباط است که "فرخ
نگهدار" با تفکری عمیقاً رویزیونیستی در مورد جنگ
کردستان به بهشتی می گوید:

"ما اکنون چنین طبقه ای را برعهده خود میدانیم
که این فضا و محیط جنگ زده را که بین مردم و
نیروهای سیاسی در کردستان بوجود آمده...
حل کنیم." (همانجا)

از نظریان این رژیم حاکم نیست که جنگ غیر -
عادلانه را به خلق کرد تحمیل کرده بلکه "محیط جنگ زده"
موجودا زدرگیری "مردم و نیروهای سیاسی" ناشی گشته
است! رویزیونیستها جنگ ارتجاع را محکوم نمیکنند،
آنان در پی آنند تا جنگ بین انقلاب و ضدانقلاب را
"برادر کشی" جلوه دهند! آنان میگوشتد تا ما هیئت ضد
خلقی ارتش و دیگر نیروهای سرکوبگر را بیوشانند و
جنگی را که بین خلق کرد و پیشمرگان رزمنده و از یک
سو نیروهای سرکوبگر دولت جمههوری اسلامی از سوی
دیگر جریان دار در جنگ "برادر کشی" وانمود سازند.
روشن است که منظور کمونیستها ازنا بود کردن و تخریب
ارتش بسنا به یکی از ارکانهای سرکوب ارتجاع کشتن
سرپازان نمی باشد. مسئله اساسی نبود ساختن سیستم
حاکم بر ارتش، نظامی و مسئله مراتب ملط بسران،
ایدئولوژی حاکم بر آن، فرماندهان و افسران مزدور و
ضدانقلابی و دریک کلام کسبختن شیرازه ارتش می باشد.
سرپازان و افسران جزء فرزندان کارگران، دهقانان
و اقشار زحمتکش جامعه می باشند! بنان به سبب فرهنگ

رویزونیستها میگویند پارا از گلیم بورژوازی نباید بیرون گذاشت

"کائوتسکی از مارکسیسم آن چیزی را که برای لیبرالها و بورژوازی پذیرفتنی است (۰.۰۰) سر می‌گیرند، ولی آنچه را که برای بورژوازی نا پذیرفتنی است (یعنی اعمال قهر انقلابی) برولتاریا علیه بورژوازی برای نابودی آن (بدورمی اندازد مسکوت میگذارد و روی آن ساقه مبادازد، با این جهت است که کائوتسکی ناگزیر به حکم وضع عینی خود اعم از این که دارای هر نوع انتقاد ذهنی گزاشی هم که باشد چا کر بورژوازی از آبدرمی آید" (لنین) - "انقلاب پرولتری و کائوتسکی مرند"

رویزونیستها از آنجا که متکی به مانیای بورژوازی می‌باشند و نگرش و سیاستهای آنان ملهم از جهان بینی بورژوازی است، بدین لحاظ عملات آن نقطه‌ای به پیش می‌روند که جهان بینی ملط بر آنها حکم میکند، خواستها، سیاستها و شعارهای، رویزونیستها اساسا محدود به چهار رچوب مناسبات بورژوازی میگردد و نمی‌توانند هم‌فرا تر رود. آنان در پی آن میباشند تا اصلاحاتی صورت بگیرد بدون آنکه حاکمیت بورژوازی خدشه‌دار نگردد. آنان از آنجا که به بورژوازی اعتماد دارند و به طبقه کارگر و توده‌ها پشت کرده‌اند بر اساس مانی بورژوئیستی خود خواهان امتیازاتی میباشند که برای بورژوازی قابل قبول باشد.

همانطور که میدانیم جریان رویزونیستی اکثریت رژیم جمهوری اسلامی را یک رژیم "عدامیریا لیست" قلمداد میکند و معتقد است که نیروهای سیاسی باید از این رژیم حمایت کرده و مرا ترازان نباید اقدامی علیه دولت حاکم انجام دهند. از نقطه نظر این جریان اپورتونیستی ضربه به دولت حاکم - که جز دولت بورژوازی چیز دیگری نیست - "چپ روی" بوده و مابا رزه علیه این دولت ضد خلقی "نا رشیسم" میباشند. نمایندگان این جریان برای طرح خواستهای حقیرانه خود چنین می‌گویند:

"بناظر ما یک ظرفیتی از حکومت وجود دارد که این مسئله طرح میشود" (همانجا)

آنان میخواهند بورژوازی را به اقدامات رفتاری میستی و ادارند تا از جنگ خلق علیه حکومت جلوگیری نمایند. اما بهشتی در برابر این چا پلوسی، بازورمندی یک فرمانروای مستبد با بدگان حقیر و رویزونیستش برخوردار قاطع!! میکند و به آنها نشان میدهد که اهل نان شیرینی نمیباشند و نمیخواهند متبازی بدهد. اما رویزونیستها اصرار میکنند و می‌گویند: "ما به "این حداقل حقی که در چا رچوب جمهوری اسلامی قابل قبول است... امتیاز نمی‌گوشیم... ما میگوئیم بخشی از آن مساواتی است که... میگوئید و در کل نیروهای زحمتکش میخواهند ایجاد کنند". (فرخ نگهدار - همانجا - تاکبید از ما است)

قبل از هر چیز رویزونیستها یک را دیگر به نظم بورژوازی چا کم‌سو کند میخورند و - ترا خود را نسبت به "چهار رچوب جمهوری اسلامی" ابراز میدارند و سپس دست نکدی در برابر بورژوازی دراز میکنند و "حداقل

خلق کرد یا سخ گوید، تنها کاری که با ایدانجام داد این است که "نگرانی خاطر" توده‌ها رفع شود و توده‌ها به بورژوازی اعتماد پیدا کنند زیرا "حق ضایع شده" به آنها داده خواهد شد! رویزونیستها میخواهند بگویند که اگر "گروهکهای چپ نمائی" این فکرا که رژیم "نه" میخواهد و توده‌ها میبواند "حقوق خلقها و از جمله خلق کرد" را به آنها بازگرداند، از ذهن توده‌ها بیرون بیاورند آنان میخواهند بگویند دولت جمهوری اسلامی "میخواهد" و میبواند "حقوق خلق کرد" را به آنها بازگرداند، آری آنان میخواهند با جلب اعتماد توده‌ها نسبت به بورژوازی، توده‌ها را فریب دهند و اینان را از جنگ عا دلانه خود منحرف سازند.

لیکن در برابر این کرنش و در پیوزگی در مقابل بورژوازی، بورژوازی کوتاه نمی‌آید. هیئت حاکمه به التماسهای رویزونیستها بی اعتناست. رویزونیستها میگویند تا ما هیت هیئت حاکمه را بیبنا نند، ولی خود هیئت حاکمه این ما هیت را بدست خود افشا میکند. در همین ارتباط است که بهشتی در مقابل در - خواست "حق ضایع شده" میگوید:

"اگر شما آمدید یک امتیاز ویژه بیک گوشه‌ای از کشور دادید، زمینه را برای امتیاز خواهی در چاهای دیگر فراهم کرده‌اید". (همانجا)

بدین ترتیب بهشتی با مراحات اعلام میکند که نه تنها در مقابل خلق کرد، بلکه در مقابل همه خلقهای ایران می‌ایستد، و در پایداری از ضد انقلاب حاکم میگوید اگر خلق کرد به حقوق خود دست یابد، سرمشی برای دیگر خلقها خواهد شد و این امر هیچوجه برای هیئت حاکمه ضدمردمی تحمل پذیر نمی‌باشد. اما فرخ نگهدار و شرکای رویزونیست برای دلالتی بیهرقیمیت نزد بهشتی رفته‌اند. آنها میخواهند به امتیازات حقیر خود برسند و برای این منظور هر چه زودتر "عالمه" را بخوابانند. آنها میخواهند به بورژوازی بفهمانند که نفع او در پایدان دادن به جنگ است. در برقراری صلح میباشند. آنها به بورژوازی اطمینان میدهند که این صلح نفع حاکمیت بورژوازی است و به همین خاطر به بهشتی از "تش بسی که حاکمیت جمهوری اسلامی است" سخن می‌گویند. (همانجا)

بقول لنین اپورتونیستها "سرما به داران را از انقلاب میترسانند" و میگویند تا "انها را بقبول راه رفرمیستی و ادارند. جریان اکثریت رویزونیستی نیز میگویند تا به سران جمهوری اسلامی بقبولانند که با توپ و فاقان توپ نباید به پیش رفت، بلکه باید نشان شیرینی داد، بلکه باید "امتیازاتی" اعطا کرد، زیرا تنها از این طریق است "که ما می‌توانیم یک چرخش نویسی را در فضای کردستان ایجاد کنیم" (مدنی - همانجا)

جوهر کلام رویزونیستها چنین است: به خلق کرد نان شیرینی بدهید تا ساکت شود و شما نیز نان شیرینی بدهید تا حاکمان رژیم جمهوری اسلامی با شیم. آری، اینست چا ن کلام رویزونیستها که به پابسی بورژوازی شتا فته‌اند.

و ایدئولوژی ارتجاعی و فقر زندگی در ارتش ارتجاعی بکار گرفته شده و در نتیجه در خدمت ضد انقلاب حاکم می‌باشند. بدین لحاظ کمونیستها می‌گویند علاوه بر طبقات و اقشار انقلابی در میان سربازان فعالیت‌ها گزاهه نموده و آنان را به سمت انقلاب سوق دهند. ولی رویزونیستها می‌گویند تا ما هیت ارتجاعی ارتش را بسپان ساخته و او را "برادر" توده‌های ستمدیده قلمداد نمائید حال آنکه ارتش در جوامعی که طبقات ارتجاعی حاکم اند ما هیتی ضد خلقی و ارتجاعی دارد. رویزونیستها میگویند تا آب توبه بر سر بورژوازی ریخته و آنرا تطهیر نمائید، آنان میگویند تا دستان خون آلود و جنا بنگار رژیم جمهوری اسلامی را بیبنا نند و به مردم دروغ بگویند تا به این ترتیب بتوانند از بورژوازی "امتیازاتی" دریافت کنند. لنین می‌گفت:

"بورژوازی سراسر جهان که با تمام قوا، با کوشش عظیم، با درایت و عزمی راسخ از هیچ جنایتی روگردان نیست عده کثیری از کشورهای را به گرسنگی و نا بودی همگانی محکوم ساخته، سرکوبی برولتاریا را در جنگ داخلی فرار ستده تدارک می‌بینند و قهرمانان انترناسیونال برن مانند احقان و یا آخوندهای رباکار و یا پروفسورهای فضل فروش، ترجیع بند کهن و مبتذل و فرسوده رفرمیستی را سرداده‌اند، منظره‌ای از این زشت‌ترین و فرت انگیز تر وجود ندارد. کائوتسکی‌ها و ما که دونا لدا همچنان سرما نه داران را از انقلاب میترسانند، بورژوازی را جنگ داخلی تهدید میکنند تا از آنها امتیازاتی بگیرند، آنها را بقبول راه رفرمیستی و ادارند". (درباره وظایف انترناسیونال سوم) جریان رویزونیستی اکثریت میخواهد جنگ در

کردستان را خاموش کند، کدام جنگ؟ جنگی که "بین مردم و نیروهای سیاسی" در گرفته است، و با در حقیقت جنگی که جنگ مردم علیه جنگ ارتجاع است. اومی - خواهد با ملاحده بورژوازی مسئله "فقا و محیط جنگزده" را "حل" کند. رهبری رویزونیست اکثریت در پی سازش با بورژوازی است، ولی او میداند که با بد "خدمتسی" برای بورژوازی انجام دهد تا بتواند امتیازاتی به جنگ آورد. بنا بر این او در پی آنست تا مسئله را "حل" کند یعنی جنگ عا دلانه و جنبش کردستان را خاموش کند و برای اینکه بتواند بهتر به دولت حاکم خدمت کند مطرح می‌نماید: مردم کردستان "این را (منظور از دست دادن حقوق و کشتار رفرزندان خلق کرد است - پیکار) همه از چشم دولت موقت گذشته میداند. فکر میکنند این حق ضایع شده به واداده نخواهد شد". (مدنی - همانجا) توگوئی که دولت با زرگان ما هیت با دولت بنی - صدر تفاوت دارد! توگوئی دولت بنی صدر ما هیت با زرگان مردم کرد را به خاک و خون نکشید! توگوئی بهشتی مزدور ما هیت با زرگان مرتجع در کشتار خلق کرد اشک شوق نریخت! کمیته مرکزی رویزونیست سازمان چریکهای فدائشی خلق زیرکانه میگویند تا چنین وانمود سازد که مردم قهرمان کرد فقط مخالف دولت با زرگان بوده و همه چیز را فقط از چشم او میداند، او بیطرف منسی چنین وانمود میسازد که گویا رژیم فعلی دارای آن ظرفیت انقلابی است که میتواند به خواستهای توده‌های

رویزونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

حق را خواستار نشود. روبرو نیستیها از مساوات
 بورژوازی صحبت کرده و از سرمایه داران میخواهند
 تا به نفع نیروهای زحمتکش عدالت را رعایت کرده و
 تساوی حقوق را محترم بشمارد! عدالت و مساوات بدون
 مفهوم طبقاتی آن معنایی نخواهد داشت. اردبگانه
 پرولتاریا عدالت و مساوات یعنی برقراری دیکتاتوری
 پرولتاریا و سرکوب بورژوازی و سمت دادن جامعه
 سوسیالیستی بسوی جامعه بی طبقه کمونیستی. حال آنکه
 اردبگانه بورژوازی عدالت و مساوات یعنی استمرار
 دیکتاتوری بورژوازی علیه طبقه کارگر و سرمایه
 کثان و گسترش هرچه بیشتر استعماری و استعمار
 توده ها. هیچگاه بورژوازی به نفع نیروهای زحمتکش
 نمیتواند مساوات را اجرائ نماید. هیچگاه بورژوازی
 منافع سرمایه را قربانی منافع پرولتاریا نخواهد
 کرد. بلکه بورژوازی از "عدالت و مساوات" صحبت میکند
 تا بتواند طبقه کارگر و سرمایه بر توده ها را فریب بدهد، و
 هرگز حتی یک قدم نیز نمی تواند در راه منافع زحمتکشان
 گام بردارد.

روشن است که موافقی میرسد که تحت فشار مبارزه
 طبقاتی ارتجاع حاکم مجبور می شود عقب نشینی ها
 نموده و امتیازاتی جزئی واگذار نماید. ولی مطالبی
 که هرگز نباید فراموش کرد اینست که بورژوازی این
 امتیازات را بر اساس ماهیت خود واگذار نمی نماید و
 تحت فشار سنگین مبارزه طبقاتی مجبور به عقب نشینی
 میگردد. در واقع او راه دیگری ندارد جز عقب نشینی
 و طبعاً از چنین عقب نشینی ها نشی خلق باسد
 آگاهانه بهره جسته و در جهت رشد و توسعه مبارزه طبقاتی
 بکوشد. بورژوازی میکوشد با دادن امتیازاتی جزئی خود
 را از منهنکه مرگ رها سازد حال آنکه پرولتاریا باید
 بکوشد تا مبارزه انقلابی خود را انکشاف بخشد.

اما روبرو نیستیها آگاهانه همه این مسائل را به
 دست فراموشی می سپارند و از زخبلانی مانند مساوات
 آقای بهشتی برای زحمتکشان ایران! حرف میزنند.
 مساوات آقای بهشتی دروغ و قبحانه ای بیش نیست.
 مساوات آقای بهشتی جز آزادی برای سرمایه داران،
 جز غارت زحمتکشان و جز کشتن زحمتکشان کرد و ترکمن
 و تیرباران انقلابیون نیست.

ولی از نظر روبرو نیستیها این "مساوات" چگونه
 قابل اجراء است؟ چگونه حقوق زحمتکشان خلق کرده باسخ داده
 میشود؟ روبرو نیستیها خود جواب میدهند:

"اگر دولت جمهوری اسلامی نظر خودش را راجع به
 آن طرح شش ماده ای اعلام بکند که مثلاً بندی که از
 این طرح شش ماده ای همان چیزی است که
 روزنامه جمهوری اسلامی از قبل پذیرفته است.
 حداقل این یک چیز دیگر یا بند دو یا ماده
 دیگر... یا در حاشیه طرح شش ماده ای آیت الله
 نوری یک چیز نوشته. اگر یک چنین چیزی بشود
 ما در اینجا تعهد میکنیم که متوقف بکنیم... یعنی
 آتش بس برقرار نشود. آتش بسی که ما کم نیست
 جمهوری اسلامی است" (همانجا)

سیاست روبرو نیستیها چیست؟! اینکه بهر حال
 لقمه ای جلوی مردم محروم کردستان انداخته شود تا
 ساکت بشوند و اینکه با این آرایش و آتش بس رژیم
 جمهوری اسلامی بتواند خود را تثبیت کند. برای
 روبرو نیستیها کافی است که بورژوازی اعلام کند که
 "فلان بندش را قبول داریم ولی بقیه اش را قبول
 نداریم" (همانجا) برای روبرو نیستیها کافی است تا
 امتیازاتی حقیر از بورژوازی دریافت کنند تا منافع
 و مصالح اساسی انقلاب و خلق و طبقه کارگر را حتی

فراموش نشود. بقول لنین: "سیاست روبرو نیستی
 عمارت است از... فراموش کردن منافع اساسی پرولتاریا
 و خالص اصلی کلبه رژیم سرمایه داری و کلبه تکامل تدریجی
 سرمایه داری، و فدا کردن این منافع در مقابل منافع
 آتی واقعی و یا فرضی..." (ما رکتسیم و روبرو نیستیم):
 بلکه روبرو نیستیها میخواهند تا بورژوازی بهر حال
 "ماده ای" اضافه کند تا مطلبی در حاشیه بنویسد تا خلق
 کرد آ را بگیرد. این خیانت به منافع خلق کرد است.
 خلق کرده چکا دست تکدی و گدائی بسوی رژیم ضد
 خلقی جمهوری اسلامی دراز نمیکند. اومی جنگند تا اینکه
 حقوق خود را به زور از طبقه بورژوازی بیرون بکشند.
 او تعلق بورژوازی را نمی گوید، او چا بلوپی نمیکند
 تا امتیازاتی جزئی به چنگ آورد، او مبارزه میکند تا
 بورژوازی را شکست دهد. اگر "اوپروتونیمم دایره
 قبول مبارزه طبقاتی را به دایره مناسبات بورژوازی
 محدود میکند" (لنین: "دولت و انقلاب") کمونیستها و
 خلق رزمندگانه را از کلبه بورژوازی بیرون می -
 گذارند. آنان نه خواستهای خود را محدود به خواستهای
 بورژوازی می کنند و نه مبارزه خود را در چارچوب
 بورژوازی میهای نمی نمایند. آنان مبارزه میکنند تا
 قدرت بورژوازی درهم شکسته شود. اما روبرو نیستیها
 این چا کران بورژوازی حقیرانه تعلق میگویند تا
 قدرت مند ان حاکم مدقه سر بدهند.

هنگامی که روبرو نیستیها علیه "کموناردها" مبارزه میکنند

روبرو نیستیها از انقلاب میپراسند. آنان از طبقه
 کارگر و توده ها حرف میزنند اما از به طیفیان در آمدن
 طبقه و توده ها و حشت دارند. روبرو نیستیها بر اساس
 مشی سازش طبقاتی خود به بورژوازی اعتماد داشته و
 از آنجا که هدف خود را گرفتن امتیازاتی در چارچوب
 مناسبات موجود قرار داده اند بنا بر این مبارزه
 طبقاتی و انقلابی برای آنان ارزشی ندارد. روبرو
 نیستیها نمی خواهند قدرت بورژوازی را از زنگون
 کنند، آنان نمی خواهند پرولتاریا به کسب قدرت
 سیاسی نائل شود، زیرا روبرو نیستیها تحقق اهداف
 خود را در تحت حاکمیت بورژوازی میسر و ممکن میدانند
 بنا بر این آنان مخالف انقلاب اجتماعی و درهم
 شکستن ماشین دولتی بوده و از به جریان افتادن سیل
 قدرت لایزال توده ها و حشت دارند. اگر انقلاب بلند
 شود، اگر بورژوازی از قدرت فرو افتد و اگر کمونیستها
 راستین بر سر کار آیند، روبرو نیستیها چگونه میتوانند
 به منافع خود دسترسی پیدا کنند؟! انقلاب پیروزنوکران
 و متحدین بورژوازی را در زیر قدمهای سنگین خود خرد
 خواهد کرد و به این خاطر روبرو نیستیها چرا از انقلاب
 نهرا سند؟

میدانیم که بحران انقلابی جامعه ما دامه داشته
 و مبارزه توده ها در بسترا عملا خویش به پیش میرود.
 توده های آگاه بیشتر از پیش به مبارزه
 انقلابی خود عمق می بخشند و توده های نا آگاه بیشتر از
 پیش از رژیم حاکم کننده میشوند و به صف مبارزه میپیوندند
 فعالیت آگاهانه کمونیستها و سایر انقلابیون و
 تجربه مستقیم خود توده ها با سرعت بر فروریختن توهم
 طبقه و توده مدعی رساند و بنا بر این مبارزه
 طبقاتی سهمگین تر میگردد و کمونیستها نمیتوانند به
 استقبال شکوهمند این مبارزه نروند، همانطور که
 روبرو نیستیها نیز نمی توانند به رشدها ریشوند.
 با روبرو نیستی فرخ نگهدارند بر سرهشتی

و حشت و نگرانی خود را بنام این می گذارد. او صحبت
 از "حاشی بدن اوضاع مملکت و شرایط بحرانی که پیش
 آمده" میکند و نگرانی شدید خود را از بی اعتمادی مردم
 مردم نسبت به حکومت اسلامی چنین بیان میکند. در
 ماههای اخیر روبرو نیستیها تسلیمات و اس عدم اعتماد
 دارند اما زده میشوند و ما این را یکی از بدهده های
 خطرناک "مدانیم" (ما هم تصدیق میکنیم که سلب اعتماد
 است). روبرو نیستیها آ را نمیکشند تا من میخواهند
 به قریب دبورژوازی برسند و به همین خاطر میگویند:
 "تسلیون حداقل اعتمادی را که از بس رفتنه
 ایجا کرد و با بدلجویی جنگ گرفته بود". "روحیه
 - ای که در سه میلیون، چهار میلیون خلق کسرد
 وجود دارد اینست که آنها میخواهند همه ما را
 بکشند."

و بالاخره با افسوس ناتی از وحشت می گویند:
 "جو خراب شده است". (همه نقل قولها از متن
 مذاکره است)

آری، روبرو نیستیها از انقلاب میترسند، آنان
 خواهان زده زدن به انقلاب می باشند، زیرا انقلاب
 را هم برای بورژوازی و هم برای خود خطرناک می بینند
 اگر طوفان انقلاب بلند شود و بر خط سازش نا پذیر و
 پیگیر به پیش رود مرگ بورژوازی و ارتجاع فرار سیده
 و فرمیتها، روبرو نیستیها و اوبرو نیستیها درهم
 شکسته خواهند شد. پس چرا روبرو نیستیها بر خود تلرزند؟
 سازمان چریکهای فدائی (اکثریت) که به جنبه
 روبرو نیستیها در غلبنده، از آنجا که امروز بر اساس
 لیبرال - روبرو نیستیها انکا داران از انقلاب میترسند و به
 همین خاطر است که کهنه شدن توده ها از ارتجاع و روی
 آوردن آنان به مبارزه و انقلاب را "خطرناک" ارزیابی
 کرده و مطرح میکنند که باید "جلوچنگ" (درواقع جلوسوی
 مبارزه - پیکار) گرفته شود. "مسئله اساسی این جریان
 روبرو نیستی نه عقب نشینی تاکتیکی و موضعی، بلکه
 نفی حدت یابی مبارزه طبقاتی و جنگ انقلابی است.
 او از جنگ مقاومت خلق کرد و حشت کرده است، او از تداوم
 مبارزه طبقاتی و وحگری بیشتر آن هراسان است و
 به همین خاطر است که در پی خاموش کردن شعله مبارزه
 و انقلاب است.

در بطن یک جامعه طبقاتی بحران زده مبارزه
 طبقاتی بنا بر این انکشاف و توسعه پیدا میکند. هیچ
 اقدام خود سرانده ای مبارزه طبقاتی متکی بر تضادهای
 عینی طبقاتی را نمی تواند از بسین ببرد و بنا بود از
 چنین مبارزه ای با امکان می یابد احراف پیدا کند
 و با آن موقعیت لازم را پیدا میکند که بر اساس انقلاب
 پیروز به پیش رود. در شرایطی که مبارزه طبقاتی موج -
 های مانع را پس زده و استوار به جلو میرود، بر عمق
 و حشت بورژوازی و روبرو نیستیها افزوده میگردد. آنان
 میکوشند تا با تمام قوا به مقابل به بر خیزند. هر چه انقلاب
 به پیش رود به همان میزان کینه و درنده خوئی ضد
 انقلاب افزایش یافته و روبرو نیستیها به تلاش وسیع -
 تری جهت نجات بورژوازی کشیده میشوند. هر چه انقلاب
 به پیش رود مبارزه پرولتاریا انقلابی برآمد
 چشمگیری تری پیدا کند به همان میزان اتحاد روبرو
 نیستیها با بورژوازی خودی نمایان تر میگردد. تمرکز
 و پیشرفت انقلاب، صف مقابل را فشرده تر ساخته،
 بورژوازی راها رتر نموده و روبرو نیستیها و اوبرو نیستیها
 را به دفاع سرخشان تری از بورژوازی میکشاند. در
 همین ارتباط موضع جریان روبرو نیستی اکثریت
 جالب توجه است، اومی گویند:

"ما متعهد میشویم... حالت جنگ را از زمین ببریم و آتش بس را برقرار کنیم". "آتش بسی که حاکمیت جمهوری اسلامی است"، حتی هر نیروی خارجی و هر نیرویی که بخواد مسئله ما را زیاد، مسأله تمهد متقابل می هم در برابر گروهها شکی گسه مسئولیت کمتری بخواد هنداسا بس بکنند برعهده می گیریم" (هما نجا)

واضح تر از این نمیتوان سخن گفت. رویزیو - نیستها در برابر ریزووازی سوگند میخورند، که در برابر نیروهای پیگیر انقلاب و تکامل مبارزه طبقاتی بایستند. آنان سوگند میخورند که حاکمیت بورژوازی را محترم شمرده و با ساداران باشند، آنان سوگند می - خورند که در برابر پرولتاریا بایستند و از بورژوازی دفاع نمایند. بایست فضا تحت رویزیونیم، بایست عمق ارتداد. بایست بیان خیانت آشکار نیست به انقلاب و پرولتاریا. لنین می نوشت: رویزیونیستها و اپورتونیستها:

"عاملین واقعی بورژوازی در جنبش کارگری و مبارزین کارگری طبقه سرمایه داران و مجربان حقیقی فرمیسم و شونینسم هستند. در جنگ داخلی پرولتاریا علیه بورژوازی بسیاری از اینان به طرفداری از بورژوازی، بطرفداری "ورسائها" علیه "کموناردها" برمی خیزند". (امپریالیسم بحثها به بالاترین مرحله سرمایه داری)

آیا جوهر کلام لنین در سیاست رهبران جریان رویزیونیستی اکثریت با رزواشکار نیست؟ این سازمان امروزه دفاع از بورژوازی و دولت خاکم بلند شده و مشی فرمیستی و سازشکارانه را تبلیغ میکند، این سازمان امروزه اعلام میکند که در جنگ داخلی حاضر است علیه نیروهای کمونیست بایستد و از بورژوازی در قهدرت حمایت کند. جریان رویزیونیستی اکثریت با صدای رسا اعلام میکند در جنگ علیه "کموناردها" حاضر است در کنار "ورسائیها" صف آرائی نماید. تا بدینجا بگویند این جریان رویزیونیستی به چه دلیل عامل بورژوازی و مجری فرمیسم و شونینسم میباشد؟ پاسخ ما اینست: اگر امروز این جریان اپورتونیستی در بهترین حالت به نفعی آشکار همه اصول اساسی مارکسیسم - لنینیسم نپرداخته است ولی همین جریان پیدا کننده مضمون رویزیونیسم خروشچی میباشد. از این مسئله میگذریم که این جریان هیچ موضع آشکاری علیه رویزیونیسم خروشچی ندارد، اما مهمترین مضمون خروشچیزم در سیاست و عملکرد این جریان امری انکارنا پذیر است. مگر نه اینکه سازش طبقاتی و نفعی مبارزه طبقاتی و انقلاب جزو مضمون رویزیونیسم خروشچی است؟ حال آیا این مضمون در سیاست جریان اکثریت عیبان نمی باشد؟ آیا این جریان از رژیم جمهوری اسلامی و هیئت حاکمه ضد خلقی حمایت نمی کند؟ آیا این حمایت معنای دیگری جز نفعی مبارزه طبقاتی علیه قدرت سیاسی حاکم و نفعی انقلاب دارد؟ آری واقعیت اینست که این سازمان بجای ایده انقلاب، فرمیسم و سازشکاری را در میان طبقه و توده ها رواج میدهد، بجای پیشبرد مبارزه انقلابی سیاست ملج بسا بورژوازی را در دستور کار خود قرار داده و حتی حاضر است در کنار ریزووازی علیه پرولتاریا و نیروهای طرفدار آزادی طبقه کارگر به سزیر خیزد. آری واقعیت

اینست که اینان خرده بورژواهایی میباشدند که به جبهه بورژوازی پناه آورده و با ظاهری مارکسیستی مقامین ضد پرولتاری و بورژوازی خود را تبلیغ مینمایند اینان از مارکسیسم حرف میزنند ولی آنچه پیاپی میکنند جز "لیبرالیسم" نیست. "وایده های رویزیونیستی چیز دیگری نیست، جز مشی سازش طبقاتی و نفعی انقلاب چیز دیگری نیست".

رویزیونیستها و انحلال طلبی آنان

رویزیونیستها که متکی بر سیاست فدا مارکسیستی و بورژوازی می باشند و طبقه دارند اما افکار و عقاید رویزیونیستی - بورژوازی را در میان طبقه و توده ها تبلیغ نمایند، در عین حال انحلال طلب نیز میباشدند آنان مبلغین و مجربان مشی رویزیونیستی میباشدند یعنی آنان در میان توده ها اعتماد به بورژوازی را تبلیغ کرده، توده ها را از انقلاب منصرف ساخته و حاکمیت ارتجاعی بورژوازی را در نزد طبقه کارگر و زحمتکشان موجه و قانونی جلوه میدهند. آنان بجای اینکه انقلاب اجتماعی را بمنابتهن راه پیشرفت و تحول جامعه در میان پرولتاریا و سایر برهنه دستان طرح نمایند و تبلیغ و ترویج کنند، گرفتن امتیازات و انجام فرمهای در نظام حاکم را بمنابتهن راه اساسی تحول اجتماعی و راه نجات از اسارت و بردگی سرمایه داری و انتمود میزند. بدین ترتیب آنان حتی اگر از مبارزه طبقاتی صحبت کنند ولی در جوهر مشی و سیاست خود و عملکرد و رفتار خود مبارزه طبقاتی را نفعی نموده و آگاهانه آنرا به طاق نسبان می گویند. زیرا اگر بخواد هم در درکی لیبرالی از مبارزه طبقاتی محبوس نمائیم، باید اعتراف کنیم که مبارزه طبقاتی تمام عیار پرولتاریا مفهوم مارکسیستی - لنینیستی آن عبارت از مبارزه ای است که منوجه کسب قدرت سیاسی و درهم شکستن ماشین طبقاتی حاکم می باشد و بالطبع زمانی که رویزیونیستها کسب قدرت سیاسی را از طریق انقلاب نفعی می نمایند و حاکمیت بورژوازی را بر سر میست می شناسند، آری در چنین هنگامی رویزیونیستها مبارزه طبقاتی را نفعی می کنند.

بدین ترتیب رویزیونیستها مبارزه ای اخته، مبارزه ای محدود در چهار چوب مناسبات بورژوازی را جایگزین مبارزه طبقاتی پرولتاریا می کنند رویزیونیستها می کوشند تا در مبارزه انقلابی و طبقاتی پرولتاریا انحلال بوجود آورده و پرولتاریا را دنباله رویزیونیستی سازند و مبارزه این طبقه را به زائده ای از حرکت بورژوازی تبدیل نمایند. آنان می کوشند تا استقلال مبارزه طبقاتی پرولتاریا و استقلال سیاسی - ایدئولوژیک این طبقه تا به آخر انقلابی را از زمین برده و بنا گذریم و همونی و رهبری این طبقه را در انقلاب نفعی نمایند. بقول لنین: "انحلال طلبی... از لحاظ ایدئولوژیک در بر دارنده نفعی مبارزه طبقاتی انقلابی پرولتاریا است سوسیالیست بطور عمده انکار همونی پرولتاریا در انقلاب بورژوا - دمکراتیک را بطور اخصی میباشد". (انحلال و انحلال طلبی - ژوئیه ۱۹۰۹)

بسیار برای در عرصه سیاست رویزیونیستها به انحلال طلبی در غلبه مبارزه مستقل طبقه کارگر و سیاست طبقاتی او را نفعی کرده و در آن انحلال بوجود

می آورند و می کوشند تا پرولتاریا را دنباله روستیاست و مشی بورژوازی بنمایند. بی سبب نیست که امروز سازمان چریکهای فدائی (اکثریت) مبارزه طبقاتی پرولتاریا و همزونی او را نفعی کرده و او را به حمایت و پشتیبانی از بورژوازی و رژیم جمهوری اسلامی فرا - میخوانند و بی سبب نیست که امروز رهبران رویزیونیست همین سازمان در پیشگاه یکی از نمایندگان منفسور هیئت حاکمه یعنی بهشتی خاشن دست نکدی دراز کرده و از او رهنمود می طلبند!

جریان رویزیونیستی اکثریت به بهشتی میگوید: شما "ما" ح نظر هستید و میخوانند شما مثل را بررسی و روشن کنید" (از متن معاحسه) و سپس اضا فه میکند:

"اعتماد دو جود دارد، اگر ما به شما اعتماد داشتیم که در این حدتوانیم شما را اینجا صحبت کنیم هرگز این کار را نمی کردیم" (هما نجا).

بله بهشتی "ما" ح نظر "است اما نظرات و عقاید او در چهار چوب مصالح و منافع هیئت حاکمه ایران سیر میکند، او "ما" مثل "را میتواند بررسی کند، اما از دیدگاه بورژوازی و در جهت منافع ارتجاع حاکم این مسائل بررسی میشوند. ولی رویزیونیستها به این مسائل کاری ندارند، و ما هیئت طبقاتی عقاید و نظریات برایشان مهم نیست. ولی تنها چیزی هم که برایشان مهم است پیاپی کردن عقاید و نظرات بورژوازی است! آنان از ایدئولوژی و سیاست طبقه کارگر کاملاً بریده اند، آنان به بورژوازی اعتماد داشته و به همین خاطر برای گرفتن رهنمود از بورژوازی به پیشگاه او شتافته اند. آنان در برابر بورژوازی خود را در فرمولی و ذلت کامل فرار میدهند تا بتوانند امتیازاتی جزئی دریافت کنند آنان میخواهند سزیر به رویزیونیستی شان اجازه فعالیت علمی داشته و برای این منظور بر دستان بورژوازی سوسه میزنند. ولی بهشتی که در پی آنست تا اینان راهمانند حزب بوده، این کارگزار سوسال امپریالیسم به حاکمیت ارتجاع تبدیل نماید بحقیر گرایانه رهبران مردم میگوید: "سویدا اعتماد را به مردم کردستان منتقل کنید، یک گروه با آن مقدار اعتبار و نفوذ شما می، میداند که چه میخوا هم بگویم".

آنان رویزیونیست فهمیده اند که تا بنده "تالاشها" چه میخوا هد بگویند؟ و میگوید اعتمادی را که شما نسبت بمن داریده توده ها انتقال دهد، اومی - گوید به توده ها بگویند که مبارزه طبقاتی و انقلاب علیه طبقه حاکم نظام ارتجاعی موجود را به کناری گذارند، او میگوید به توده ها بگویند که در برابر حاکمیت ارتجاعی بورژوازی سده کنند.

بورژوازی به رویزیونیستها رهنمود میدهد تا مجربان خوبی برای پیاپی کردن سیاست سازش طبقاتی باشند، او میخواهد به رویزیونیستها بفهماند که گرفتن امتیاز موکول به پیاپی کردن سازش طبقاتی در کردار میباشد، او میخواهد آنها بفهماند که گرفتن امتیاز ارهشت حاکمه موکول به نفعی کامل مواضع و اقدامات انقلابی سازمان چریکهای فدائی در گذشته است.

بهشتی مردود میگوید:

"بسیار دیده است که سازمان چریکهای فدائی حلوسید و جمع بندی جدیدی کند در این مدت حه کرده اند و بعد اعلام مواضع جدید میکند". اگر کسی می کوشد اس عملکرد سیاسی از گذشته است به آنها

پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی

(بوده‌ها - بیکار) بکوشد که این کار دولتی را
عظمی است جنس خواهد کرد. به آنها این اصل را
بکوشد که نه باشد، نهها نسند ما با هم همیم ،
بعضی اعضا دیده ما کافست ، "ما شدا علام کنند ،
اکثر این ها بعد هفت سرما به داری میروند ، سه
بیمه استنداد میروند " (از من مذاکره نهستی
ما فرح بکهدارومدی)

بورژوازی برای حقه کردن انقلاب بورژوازی -
سیاسی خط سدهد ، از آن می طلبند طبقه کارگر خلق
کرد و با برنوده ها را غیر میند و بورژوئیسها که تکلی
فاقد هرگونه سیاست مارکسیستی میباشند و نسبت به
مارکسیسم - لنینیسم را رد کرده اند جواب منبست
میدهند ، آنان وقتها نه علام میکنند که برای تحقق
سازش طبقاتی و حوا با بدن جنبش و برای گرفتن
استیاراتی جعیر از بورژوازی حاضرند با قدرت سیاسی
سازش کرده و کتا را بید .

رهبران مترد جریان رویزیونیستی اکثریت در
مقابل خواستهای بورژوازی به بهشتی چنین جواب
میدهند : "حضوران عرض کنم که البته این متقابل
است " (هماجا ، تا کیدا ما ست) . بوی تعفن سازش با
بورژوازی و توطئه علیه انقلاب از این پاسخ برمیخیزد
رویزیونیستها میگویند ما حاضریم به منافع انقلاب
حیانت کنیم ، ما حاضریم در کنار شما با سیستم و برای حقه
کردن انقلاب اقدام نمائیم ، ما حاضریم اعتماد دوده ها
را به بورژوازی و دولت طبقاتی آن جلب نمائیم ، ما
حاضریم ولی هیئت حاکمه نیز با بدامنیاتی به ما
بدهد . آری ، رویزیونیستها حاضرند برای گرفتن امتیاز -
اتی انقلاب توده ها را به مسلخ بورژوازی بکشند و
نسبت به مبارزه طبقاتی جاری کا ملاحظیات ورزیدوما
می بینیم چگونه جوهر بورژوازی رویزیونیسم آشکار
میشود ، می بینیم چگونه میتوان صحبت از مارکسیسم
کرد ، اما در مضمون سیاست و در کردار نسبت به آن خیانت
نمود .

هما نظور که دیدیم رویزیونیستها در عرصه سیاست
انحلال طلبند و حاضرند منافع طبقه کارگر و استقلال
سیاسی ایدئولوژیک پرولتاریا را به ارزش یک جو به
بورژوازی بفروشند ، ولی مسئله به اینجا محدود نمی -
شود ، رویزیونیستها همچنین در عرصه مبارزه طبقاتی
در زمینه تشکیلاتی نیز انحلال طلب می باشند .

می دانیم که رویزیونیستها به قانونیت رژیم
موجود احترام می گذارند و قوانین بورژوازی را به
رسمیت می شناسند ، آنان خواستهای خویش را در
چهارچوب مناسبات حاکم قایل تحقق می بینند و در
نتیجه بر اساس این سیاست میگویند تا ابزار مناسبات
با این سیاست را نبره جگ آورد ، روشن است که

بیا ده کردن می سرنگونی نظام حاکم و مسلط بورژوازی
مسلط و موجود تشکیلاتی آهنین و غیر قانونی است بدون
تشکیلات ، سازمان و با حزب انقلابی و مخفی کسب قدرت
سیاسی غیر ممکن است . حال آنکه بیا ده کردن مفسی
سازشکارانه و لیبرالی ابرار تشکیلاتی مناسبات
خود را مطرح میسازد . رویزیونیستها از آنجا که سه
بورژوازی اعتماد داشته و قوانین آنرا بر سخت می -
شاسد و میارزه انقلابی طبقاتی را زنی میکنند ، بر
ضرورت یک سازمان مخفی انقلابی که بتواند بورژوازی
را سرکون کند خط بطلان می کشند . رویزیونیستها با
انگابه مضمون لیبرالی سیاست خود در پی آنند تا
تشکیلاتی قانونی و علنی داشته باشند . لنین در این
زمینه می نویسد :

"در شرایط تشکیلات ، انحلال طلبی بمعنای نفی
ضرورت یک حزب سوسیال - دمکرات غیر علنی
(غیر قانونی) ... میباشد (انحلال و انحلال طلبی)

درواقع انحلال طلبان طرفدار شعار "حزب آشکار"
میباشند ، آنان از بورژوازی می طلبند تا سازمان و با
حزبان را قانونی نموده و اجازه فعالیت علنی دهند .
طبعا تحت برسر این نیست که کمونیستها نباید شرایط
و امکانات علنی استفاده بکنند . چیرا نه و غیر -
ما رکیستی خواهد بود اگر کمونیستها از امکانات علنی
جهت توسعه و نفوذ خود در میان طبقه توده ها و پیشبرد
مبارزه طبقاتی بهره بگیرند ، ولی مسئله مورد بحث اینجا است که
در شرایط حاکمیت بورژوازی و ضد انقلاب یک سازمان و
با حزب مخفی ، غیر قانونی و انقلابی جهت هدایت امر

انقلاب توده ها لازم یک ضرورت انکار را پذیرا است .
حال آنکه انحلال طلبان جنبش ضرورتی را انکار می -
کنند و ما هیئت ارتجاعی و ضد دمکراتیک بورژوازی را
بدست فراموشی می سپارند و از بورژوازی قانونی
بودن سازمان خویش را گدائی میکنند ، مسئله مورد
اختلاف استفاده از امکانات علنی نیست و نمیتواند
باشد ، مسئله مورد اختلاف نفی یا عدم نفی حزب و سازمان
غیر قانونی و انقلابی در شرایط مسلط بورژوازی میباشد
کمونیستها بر ضرورت سازمان انقلابی غیر علنی تاکید
می نمایند ، حال آنکه رویزیونیستها و انحلال طلبان
در پی سازمان علنی و قانونی و با رسمیت یافته از
جانب بورژوازی میباشند . بخاطر این و رژیم که چقدر
کمپت مرکزی حزب توده در زمان رژیم وابسته شاه خاش
دست گدائی دراز کرده تا بر اساس "قانون اساسی
شاهنشاهی" جنبش قانونی گشته و اجازه فعالیت علنی
پیدا نماید ، و امروز جریان رویزیونیستی اکثریت در
همین خط به پیش میروند .

چکیده درخواست فرخ نگهدار و شرکای رویزیونیست
از بورژوازی در یک مسئله متسلط میشود هیئت حاکمه

با ایداز ده دهنده سازمان چریکهای فدائی (اکثریت)
فانونی کرده و بشریه آن بطور قانونی اجازه انتشار را
پیدا نماید . در همین ارساط است که رویزیونیستها
خود می گویند : "ما مثل مشخص است ، یکی امتیاز تشریه
است ... و البته بهشتی نیز بلافاصله در پایش میگوید :
"من فکر میکنم همه اینها قابل طرح است ، از نظر
شخص خودم . من فکر میکنم زمان میسرود با سک
گفت و گو نمیتوان جدا کرد " (هماجا)
مسائل فوق الذکر از یک سو یعنی تعفن سازش را
نمنا میرساند از سوی دیگر سیاست انحلال طلبی
جریان رویزیونیستی اکثریت را آشکارا بنمایش
میکشاید . امروز با نام و بهران انقلابی رویزیونیستها که از
انقلاب روی برتافته اند ، بدگاه بورژوازی روی آورده و آنرا
ترغیب می نمایند تا سازمان و بشریه شان قانونی و
علنی گردد و بدین ترتیب میتا ق محکمی بین بورژوازی
و رویزیونیستها بسته شود . لنین می نویسد :

رویزیونیستها "حق پرولتاریا برای انقلاب را
در برابر سول سیا به منظور حفظ تشکیلات مجاز
در چارچوب قوانین پلیس فروخته اند " (شکست
انترناسیونال دوم)

حال آیا برآستی سازمان چریکهای فدائوسی
(اکثریت) منافع انقلاب را بمنظور تشکیلات مجاز و
امتیاز تشریه یک جو فروخته است ؟ آیا برآستی این
سازمان در راه سازش با بورژوازی حاکم به انقلاب
بشت نکرده است ؟ آیا برآستی این سازمان به رویزیونیسم
در غفلتیده است ؟

سروشست سازمان چریکهای فدائی (اکثریت)
سروشست همه جریاناتی است که با رویزیونیسم و پور -
توسیم مناسبات سازش میکنند ، سروشست همه جریاناتی
است که به مبارزه قاطع علیه رویزیونیسم خروشچنی و
سوسال امیریا لیس شوروی بر نمی خیزند . هر جریانی
با رویزیونیسم سازش نماید خود به مرداب رویزیونیسم
در می غلتد و با بورژوازی اردراشتی در می آید .
ااااا دوراه اساسی بیشتر نیست : با مارکسیسم - لنینیسم
یا رویزیونیسم ، به بیان دیگر راه پرولتاریا و راه بورژوازی
برای آنکه به مارکسیسم - لنینیسم وفا دار باشیم ،
باید با رویزیونیسم بجنگیم و برای آنکه در راه
پرولتاریا و تحقق کمونیسم به پیش رویم باید علیه
بورژوازی و ایدئولوژی او در صفوف طبقه کارگر قاطعانه
مبارزه نمائیم . رویزیونیسم دشمن اصلی و آشتی ناپذیر
مارکسیسم - لنینیسم است . کمونیستهای میهن ما مبارزه
سرخ و سترگی با این دشمن آشتی ناپذیر در جنبش
کارگری در پیش دارند . بدون مبارزه قاطع و پیگیر
علیه رویزیونیسم پیروزی در مبارزه ضد امیریا لیسیتی
و مبارزه علیه بورژوازی حاکم امکان پذیر نیست .



پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر